

ایران



امام حسین (ع):

خوش خوی، عبادت است و سکوت، زینت.

تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۶۴

نگاره

**دیوان‌نگاره میدان فلسطین
در باره حکم بازداشت نتانیاهو و گالانت**



فضای مجازی

رمانی از ناهید طباطبایی به پیشنهاد احمد آرام

احمد آرام، نویسنده ادبیات داستانی و مدرس نمایشنامه‌نویسی، در استوری اخیر خود علاقه‌مندان را دعوت کرده که کتاب «چهل سالگی» نوشته ناهید طباطبایی را مطالعه کنند؛ البته او تصویری از نسخه صوتی این کتاب را که به همت رادیو گوشه و انتشارات چشمه تولید شده به اشتراک گذاشته است. گویندگی این کتاب را هدی زین‌العابدین، بازیگر سینما انجام داده است. رمان «چهل سالگی» روایت زنده شدن خاطراتی است که در مواجهه با واقعیت حال، کاپوس‌هایی رونده می‌شود. داستان دلدادگی دیروز زن قهرمان داستان که با سرخوردگی‌های اجتماعی امروز گره می‌خورد. نگاه «ناهید طباطبایی» به ماجرا نگاهی دقیق و عمیق است. او توانسته دل‌نگرانی‌ها، سرخوردگی‌ها و روال طبیعی زندگی نژی امروزی و نسیبتاً خوشبخت را به تصویر بکشد. از این کتاب، اقتباسی سینمایی با همین نام، به کارگردانی «علی رضا رئیس‌یان» ساخته شده است.

نوشته رضا کیانیان درباره آسمان دودگرفته پایتخت

رضا کیانیان، بازیگر سینما و تئاتر در تازه‌ترین فعالیت خود در شبکه‌های اجتماعی سراغ موضوع داغ این روزها رفته است؛ ماجرای به شماره افتادن نفس آسمان پایتخت. این مسأله به‌خصوص حالا که مسئولان هواشناسی، توصیه‌هایی مکرر در این رابطه دارند که جز در موارد ضروری از خانه خارج نشوید! بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. کیانیان با بازشر خبری که ایرنا در همین رابطه منتشر کرده است، نوشته: «هوای تهران «قاتل» است! سالی حدود پنجاه هزار نفر را بی‌رحمانه می‌کشد. هوای تهران پراز آلودهای حاصل از خودروهای از زده خارج است. هوای تهران پراز سمومی است که از آگزوز موتور سیکلت‌ها بیرون می‌زند، که آلودگی شان دو برابر یک خودرو است. هوای تهران پراز آلودگی‌ای است که اتوبوس‌ها و کامیونت‌های قدیمی می‌پراکنند. هوای تهران پراز گازها و سوخت‌های نامناسب است. هوای تهران قاتل است. به قول بزرگی، قتل فقط با چاقو یا تفنگ نیست. با زیاد کار کشیدن هم هست. با هوای آلوده هم هست.»

یادی از زنده‌یاد فریدون داوری

نیک‌نام حسینی پور از فعالان عرصه کتاب که حالا مدتی است مدیریت کل روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به عهده دارد، با انتشار تصویری از مراسم گرامی‌داشتی که به یاد زنده‌یاد فریدون داوری برگزار شده است، نوشته: «این روزها ساحت فرهنگ و هنر استان کهگیلویه و بویراحمد، سوگوار «فریدون داوری» عزیز شده است. داوری بیش و پیش از آنکه شاعر یا چهره ادبی باشد، معلمی فرهیخته و دانش‌پژوهی ارجمند و شخصیتی مردم‌دار بود. شاگردان بسیار و آثار نایب خود گواهی است بر این ادعا که حضور و نمودشان جوانان بارقه‌هایی است از پرتوافشانی آن آفتاب درخشان. انسان شایسته‌ای که در پرتو صمیمیت شعرهایش، اندیشه‌های ایل و تبار مادری‌مان را باورمند می‌ساخت و از این رهگذر در حفظ و صیانت فرهنگ غنی فولکلور مردم جنوب بویژه قومیت لر صدچندان کوشید. شاعر درمندی که سطر سطر اشعار و بیت بیت غزل‌هایش چنان بر دل‌ها می‌نشست که خوانش و مرور هزار باره آنها نشاط و نشسته خاصی به خاطرهای می‌بخشید. از این منظر، «داوری» را می‌توان پیشقراول حفظ و ثبات پیکره گویش لری مخصوصاً در استان ما و سرزمین‌های هم‌تبار و هم‌جوار قلمداد کرد. شخصیت بی‌ظنبری که انبوه تصنیف و ترانه‌هایش، سرشار از شور و مهر و غرور بود و حس نعدوستی و دیگرخواهی را بین مردم گسترش می‌داد. شکوه موج مواج این جمعیت واچ شیون داغداران، بر این زخم بی‌پایان گواهی می‌دهد. همه داغدار و سوگوار چهره ماندگار اخلاق و مهرورزی هستیم. ادبیات، اندیشه، فرهنگ و هنر فولکلور این استان وامدار و مدیون پایمردی و جانفشانی «فریدون داوری» است که تمام‌قد در حفظ میراث گذشتگان کوشید تا نسل حال و آینده، زبان مادری خویش را از یاد نبرند. فریدون داوری فقط در نام و نشان ادیبانه‌اش خلاصه نمی‌شود، بلکه «سرمایه فرهنگی و اجتماعی استان ما» و به تعبیر بهتر «آبروی این استان» و «اعتبار این ایل غیرتمند» است. هر که شد محرم دل، در حرم یار بماند/ وان‌که این کار ندانست در انکار بماند» گفتنی است که فریدون داوری نویسنده، پژوهشگر و شاعر حماسی و آیینی استان کهگیلویه و بویراحمد، چهارشنبه سی‌ام آبان ماه پس از تحمل یک دوره بیماری از زندگی وداع گفت.

نوشته هادی تقی‌زاده درباره اعتراف امریکایی‌ها

هادی تقی‌زاده، نویسنده ادبیات داستانی و پژوهشگر تاریخ از جمله اهالی کتاب است که در شبکه‌های اجتماعی توجهی ویژه به مسائل روز و به‌خصوص جنایات یک‌سال اخیر رژیم صهیونیستی جهان دارد؛ او با انتشار تصویری از خبری به نقل از یکی از رسانه‌های عربی به کشتار مردم غزه از سوی رژیم صهیونیستی واکنش نشان داده است؛ در بخشی از خبری که او با دنبال‌کنندگان صفحه‌اش به اشتراک گذاشته، آمده: «جیل استاین، نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا؛ امریکا تاکنون ۴۹ بار از حق و تو علیه حقوق فلسطینیان استفاده کرده است. ایالات متحده تمام تلاش خود را برای دفاع از نسل‌کشی اسرائیل در غزه انجام داده و به این ترتیب دست ما (امریکا) به خون آلوده است و می‌توان این را نسل‌کشی امریکایی نامید.»

نقل قول

خودم را در ژانرهای غیرکمدی هم محک زدم

من همیشه سعی کردم درست انتخاب کنم و انتخاب‌هایم درست باشد. تا یک مدتی که انتخاب‌ها دست خودم بود و احساس می‌کردم کاری خوب است، در آن کار بازی می‌کردم. در آن زمان زیاد شناخته شده نبودم و اول راه بودم. کارهایی را که پیش می‌آمد قبول و سعی می‌کردم در آنها تجربه کسب کرده و به بار خودم اضافه کنم. هر چند ممکن بود فیلم‌های ضعیفی باشند و آثار و نقش‌های درخشانی نشوند، اما واقعا این فرصت را برای من به وجود آوردند که بتوانم خودم را تجربه کنم و ببینم روی پای خودم چگونه می‌توانم جلو بروم. در چند سال اخیر انتخاب‌هایم خیلی گزیده‌تر شد و سعی کردم فیلم‌هایی را که می‌دانم مخاطبان عام، با آنها زیاد ارتباط برقرار نمی‌کنند و مخاطبان خاص شاید محدود هم دارند، انتخاب کردم و عکس‌العمل‌هایی که از منتقدان، جشنواره‌ها و اتفاقات دیدم، نسبت به کارهای قبلی‌ام خیلی متفاوت‌تر بود و احساس می‌کنم که به تازگی مسیر را به گونه‌ای پیش بردم تا بتوانم در ژانرهای دیگری به غیر از ژانر کمدی و عاشقانه که در آن دوره خیلی باب بود فعالیت داشته باشم. سعی کردم در این ژانرها هم خودم را محک بزنم.

بخشی از گفته‌های امین حیایی، بازیگر سینما و تلویزیون با ایرنا

تجسم



عکس: علی حسین پور/ایرنا

نگاهی به اما و اگرهای استقبال پرشور این روزهای مردم از موزه‌ها

آیا بادهای پاییزی خبر از تغییر فصل دارند؟

امروز دوست همکارم از سعدآباد خبر داد که آمار ورودی سعدآباد از ۱۷۰۰۰ نفر هم گذشت و صف بازدیدکنندگان تا زعفرانیه رسیده بود. همکاران موزه هنرهای معاصر می‌گفتند صف موزه تا بلوار رسیده و احتمالاً از سه هزار نفر عبور کرده است. همکار و دوست قدیمی از کاخ گلستان می‌گفت آمار امروز (جمعه‌ای که گذشت) نه تنها از جمعه پیش بیشتر بوده بلکه نسبت به آبان سال گذشته دو برابر شده است. این افزایش آماری موزه نشان از چیست، و چرا برخی موزه‌ها مورد اقبال واقع شده‌اند؟ قطعاً همه را نمی‌توان به یک دلیل مشترک دانست؛ یکی حاصل برگ‌ریزان پاییزی است که موجی از علاقه‌مندان را به نیابوران و سعدآباد کشانده و از سوی دیگر، تحت‌تأثیر فضای مجازی و نوعی جریان‌سازی بلاگرافست که سبب تشدید موج استقبال می‌شود یا تحت‌تأثیر رویدادی ویژه همچون عیان شدن آثار برنژ شده هنر معاصر، همگی دلایل متعددی برای این هیجان ایجاد شده است.

در این رابطه باید دو علت را به نوعی مشترک دانست: تغییر نسل، یعنی نسلی که حالا می‌خواهد تجربه اجتماعی خودش را داشته باشد و آنها شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی خودشان را دارند. این نسل می‌خواهد به جامعه بیاید و جامعه کشف کند و خاطرات خود را بسازد.

و از سوی دیگر پالس‌های جامعه که خبر از نوعی تغییر اجتماعی می‌دهند و شاید همین تغییرات اندکی که حتی

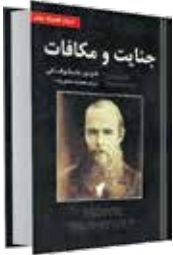
بر روحیه، برنامه‌ها و مواجهه با موزه‌ها اثر گذاشته و آنها نمایشگاه‌های خود را تغییر داده‌اند و سبب رویدادسازی منطبق با خواست جامعه و سلیقه عمومی شده است. این تصویری که در قیاس با سال پیش خودش را نشان می‌دهد و سؤال برانگیز می‌شود، بیشتر از هر چیز نشان می‌دهد که جامعه همانند رودی است که در هر شکل می‌خواهد جاری باشد، زندگی‌کنند و تجربه زیسته خود را داشته باشد. برای همین هزارگانه‌ی که طوفان‌ها بخوابند و امکان جاری شدن مهیا شود، جامعه و نسل‌های جوان‌ترش به تصاحب جامعه پراخته و شوق زندگی را در آن جاری می‌کنند. نهادها و مکان‌های اجتماعی همچون موزه‌ها و سایر مکان‌های فرهنگی، بهترین آینه هستند که می‌توانند تصویر جامعه را نشان دهند و این آیینگی تنها در آثار موزه‌ها نیست، بلکه در مواجهه جامعه با هر کدام از نهاد‌های فرهنگی نیز هست و هر چقدر این رابطه بیشتر باشد، نشان از پویایی و شوق بیشتر جامعه برای زیستن و ولدت زندگی است؛ حتی اگر این کمیت سطحی و بصری لذت مجازی همچون سفلی‌گرایی باشد، باز هم تجربه زمانه خودش است.

درباره این تصویر که نشان از برون‌ریزی جامعه برای زیستن است، باید منتظر بود و دید که می‌تواند تکرار و بیشتر شود و موزه‌ها در اشکالی دیگر نمایشگر آن باشند یا چون جرقه‌ای گذرا می‌گذرد، اما در هر حال اگر چه پاییز دیر آمده است اما شهر و مردمش منتظر مانده‌اند و حالا شوق مردم خبر از تغییر فصل دارد.

عکس نوشت



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



می‌دانم که اگر در مورد کسی قضاوت نادرستی بکنم، دنیا تمام تلاش را خواهد کرد تا مرا در شرایط او قرار دهد و به من ثابت کند که در تاریکی، همه ما شبیه همدیگر هستیم.

**جنایت و مکافات
فردور داستایوفسکی**

کلمه

اکسیر شعر برای انسان سردرگم امروز

خواندن شعر و ارتباط گرفتن با آن به دلیل برخورداری شعر از تناسب‌های لفظی و معنایی و توازن و موسیقی و تعادلی که در کلیت آن جاری است می‌تواند تأثیر سازنده‌ای بر روح و روان انسان بگذارد، حال اگر این شعر حاوی مفهومی روح‌نواز و آرام‌بخش نیز باشد تأثیر آن مضاعف خواهد شد.

بسیاری از تک‌بیت‌ها در طول تاریخ توانسته‌اند تحولی بزرگ در ابعاد گوناگون در زندگی انسان‌ها ایجاد کنند و منشأ و نقطه عطف تغییرات اساسی در نگرش انسان‌ها نسبت به هستی و زندگی شوند. حتماً داستان تأثیر شگرفی را که این بیت، البته با روایت‌های گوناگونی که از آن نقل شده شنیده‌اید:

مهرتری گر به کام شیر در است

شو خطر کن ز کام شیر بجوی

یکی از دوستان که از اساتید دانشگاه است می‌گفت من در طول سال‌های تدریس با یکی از بیت‌های بیدل دهلوی توانسته‌ام موجب تحول در فکر و حتی در زندگی بسیاری از دانشجویانم بشوم و در بیان یکی از این موارد می‌گفت دانشجویی داشتم که در نیمسال اول خیلی پریشان و کم‌حوصله و کم‌کار بود و در امتحانات پایان ترم نیز وضع مطلوبی نداشت. پس از امتحانات برای تجدید نظر در نمره امتحان پیش من آمد و گفت که قصد ادامه تحصیل ندارد و به گرفتن یک فوق دیپلم قانع است و خواست که یکی دو نمره‌ای را که کم دارد به او ارفاق کنم، با او صحبت کردم، البته نه یک بار بلکه در چند نوبت و در شرایط متفاوت. تا اینکه در یکی از نوبت‌ها بحث را به یکی از ابیات بیدل کشاندم و با توضیحات و حواشی لازم مفهوم این بیت بیدل را برایش تشریح کردم که:

دوری مقصد به قدر دستگاه جست و جوست

با گر از رفتار ماند جاده منزل می‌شود

و گفتم که به تعبیر بیدل دور یا نزدیک بودن و یا قابل دسترس بودن یا نبودن هدف‌ها بستگی به کسی دارد که می‌خواهد به آنها برسد، که اگر مرد راه و اهل رفتن نباشی همان ابتدای راه را مقصد تلقی خواهی کرد و در واقع جاده که وسیله رفتن به مقصد است خودش برای تو حکم مقصود را پیدا می‌کند.

«با گر از رفتار ماند جاده منزل می‌شود»

ولی اگر دارای همتی عالی باشی و به قول بیدل دستگاه جست‌وجوی تو ظرفیت نامحدودی داشته باشد، نه تنها از پیمودن خسته نمی‌شوی که زمانی هم که به منزل و مقصود برسی نیز کار را تمام شده نخواهی پنداشت. دوستم می‌گفت بارها آن دانشجو آمد و به پنهان‌های مختلف بحث روی این بیت بیدل را با من ادامه داد و در دوستم می‌گفت تلاش می‌کرد بیشتر به عمق و ژرفای این اندیشه حکیمانه پی ببرد و احساس می‌کرد که حکمت نهفته در این بیت بیدل دارد، ذره ذره در اعماق اندیشه و احساس او رسوخ می‌کند. بعدها این دانشجو گفت و گوهایش را با من پیرامون این موضوع گسترش داد و علاوه بر حوزه شعر و ادبیات به سایر حوزه‌های معرفتی هم کشاند و من ذره ذره شاهد تغییر در رفتار و اخلاقیات او بودم تا بالاخره همان بیت بیدل شد، منشأ این تحول و نقطه عطفی که زندگی این دانشجو، به گستره غنی شعر فارسی که نگاه می‌کنیم ابیات بسیاری از این دست را می‌توانیم دسته‌بندی کنیم که در موقعیت‌های مختلف می‌توانند تأثیرهایی از این دست را بر انسان بگذارند؛ باید این ظرفیت‌ها را در شعر شناخت.



اگر زرمینی به واسطه موقعیت جغرافیایی اش مرزهای آبی طولانی داشته باشد، موهبتی عظیم نصیبش شده است. ایران درست نقطه‌ای قرار گرفته که از شمال و جنوب به چنین موهبتی دست پیدا کرده است. دریای خزر سالانه هزاران نفر را از دور و نزدیک به استان‌های مازندران، گیلان و گلستان می‌کشاند و این سو هم خلیج همیشه فارس را داریم با کرانه‌هایی رویایی.

عکس: رهبر/امدادی فارس